

بازنمایی کارکرد اجتماعی عزاداری امام حسین^(ع) در معماری حسینیه‌های ایران

سمر حقیقی بروجنی^{۱*}، سید رحمان مرتضوی باباحیدر^۲

^۱استادیار گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
^۲استادیار گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴)

چکیده

کالبد هر اثر معماری متأثر از روحی است که شرایط طبیعی، اجتماعی، سیاسی و غیره بدان می‌دمد. لذا در یک زمان واحد در جوامع مختلف شاهد ویژگی‌های کالبدی متفاوت برای بناهایی با کارکرد یکسان هستیم. بررسی میزان و چگونگی تأثیر هر یک از این عوامل می‌تواند منجر به درک بهتر از علل شکل‌گیری گونه خاصی از بنا، ویژگی‌های خاص و وقوع تحولات فرمی و کارکردی در آن شود. حسینیه‌ها به‌عنوان گونه‌ای از فضای جمعی برای برگزاری آیین عزاداری امام حسین^(ع) و سیر تحولات کالبدی آنها در ایران موضوع اصلی این مقاله قرار گرفته‌اند. در این راستا تلاش شده تا به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که تأثیر کارکرد اجتماعی-سیاسی آیین عزاداری امام حسین^(ع) در ایران، در تحولات کالبدی-فضایی مکان‌های برگزاری این آیین به‌خصوص در شهرهای مرکزی ایران (اقلیم گرم و خشک) چیست؟ این مقاله رویکردی کیفی دارد که فن گردآوری داده‌های آن بررسی اسناد و مشاهده است. پژوهش از نظر شیوه تحلیل داده‌ها نیز یک پژوهش تاریخی محسوب می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد همان‌طور که کارکرد اجتماعی آیین عزاداری امام حسین^(ع) در ایران از آغاز تا پایان حکومت قاجار در چهار مرحله، دچار تحولاتی بنیادین شده، مکان برگزاری این مراسم و کالبد معمارانه آن نیز تحت تأثیر کارکرد اجتماعی مراسم، دچار تحولاتی اساسی گشته است.

واژه‌های کلیدی

حسینیه، کارکرد اجتماعی، تحولات کالبدی، شهرهای مرکزی ایران.

مقدمه

امام حسین^(ع) اطلاق می‌گردد. اصطلاحات «تکیه»، «حسینیه» و حتی «میدان» یا «گذر» به طیف وسیعی از قالب‌های کالبدی اطلاق می‌شود که بسته به حوزه تأثیر و نوع کاربری، از حد فضای مرکزی شهر تا یک فضای مذهبی محله‌ای یا حتی خصوصی تغییر می‌کنند و تقریباً گزاره مشترک توصیفات این فضاها در نقاط مختلف، برگزاری عزاداری شیعیان در محرم است. تکیه و حسینیه از نظر اطلاق کارکرد، همسانی زیادی با یکدیگر می‌یابند؛ به طوری که تمایز آنها در دوره معاصر به‌طور دقیق ناممکن به نظر می‌رسد (بزرگ‌نیا، ۱۳۸۵، ۱۲). از این رو در این مقاله از اصطلاح حسینیه جهت معرفی فضاهای اختصاصی برگزاری این مراسم استفاده شده است. حسینیه‌ها دارای پیشینه کاملاً شفافی نیستند؛ لیکن در اغلب منابع تولد آن‌ها را دوران صفوی ذکر می‌کنند؛ هرچند که در مواردی استثنایی مانند حسینیه «سید صدرالدین قنبر» این تاریخ تا ایلخانی (قرن هشتم هجری) عقب می‌رود (ملازاده، ۱۳۸۱، ۱۵). مقاله حاضر با اخذ رویکرد کارکردگرایانه در تبیین وجوه جامعه‌شناختی آیین عزاداری امام حسین^(ع)، ابتدا به مطالعه آن دسته از تحولات محتوایی و شکلی آیین عزاداری امام حسین^(ع) در ایران که تحت تأثیر کارکرد اجتماعی متفاوتی که در هر دوره تاریخی داشته، شکل گرفته‌اند، می‌پردازد. سپس سعی دارد تا تحولاتی که از یک سو در محل برگزاری این مراسم در طول تاریخ و از سوی دیگر در کالبد فضاهایی که اختصاصاً جهت استفاده برای این موضوع متولد می‌شوند، رخ داده است را از منظر کارکرد اجتماعی آن مورد بررسی قرار دهد. با توجه به تنوع نسبی و احتمالی مراسم تحت تأثیر عوامل منطقه‌ای نظیر ویژگی‌های اقلیمی و فرهنگی این پژوهش بر مطالعه شهرهای مرکزی ایران و با اقلیم گرم و خشک متمرکز شده است. در انتها به نظر می‌رسد که اگرچه فاکتورهای بسیاری مانند نیازهای عملکردی، تکنیک‌های ساخت، الگوهای موجود و ... می‌توانستند ساختار و کالبد این فضاها را تحت تأثیر قرار داده باشند اما نمی‌توان اثر بازنمایی کارکرد اجتماعی این آیین را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار انکار کرد.

در نظام‌های مذهبی در سلسله‌مراتب مناسک، برخی از آنها از اهمیت بیشتری برخوردار هستند و مهم‌ترین عامل و مجرای تثبیت وحدت دینی و اجتماعی جامعه به‌شمار می‌آیند. در چنین مراسمی اغلب همه بخش‌های اجتماع و یا حداقل نمایندگان از تمام بخش‌ها در آن حضور دارند (دورکیم، ۱۳۸۳، ۳۸۹). دورکیم برای آیین‌های مذهبی چندین کارکرد را مطرح می‌سازد: (۱) این آیین‌ها از طریق تحمیل انضباط بر نفس و حس خویش‌نهادی، انسان‌ها را برای زندگی اجتماعی آماده می‌سازند. (۲) آیین‌های دینی با برقراری نوعی روابط عاطفی مثبت سبب انسجام و یکپارچگی بین شرکت‌کنندگان می‌شود و وحدت و یکدلی را بین شرکت‌کنندگان فراهم می‌سازد و زمینه‌ساز وحدت اجتماعی در جامعه خواهد شد. (۳) اجرای مراسم مذهبی، میراث اجتماعی گروه را ایفا و احیا می‌کند و ارزش‌های پایدار آن را به نسل‌های آینده انتقال می‌دهد. (۴) از آنجا که سنن و آداب دینی در مراسم مذهبی با گریه‌ها و عزاداری‌های جمعی و شورآفرینی‌های خاصی همراه است، کنشگران نوعی احساس تطهیر و نزدیکی به خدا می‌کنند و با برانگیختن احساس خوشبختی و اطمینان به حقانیت، با احساس ناکامی در آنها مقابله می‌کند (به نقل از کوزر، ۱۳۸۲، ۲۰۰). عزاداری یکی از مهم‌ترین نمونه‌های این‌گونه مناسک است. مراسم عزاداری امام حسین^(ع) یکی از این قسم مراسم در کشور ماست که با گذشت بیش از هزار سال هنوز هم به‌صورت پویا در حیات اجتماعی ما جریان دارد و منشأ تحولات و هنجارآفرینی فراوانی در کنش‌های فردی و اجتماعی شده است. از آنجا که بقا و ماندگاری هر عنصری در نظام فرهنگی به کارکردهایی بستگی دارد که برای نظام اجتماعی انجام می‌دهد (دورکیم، ۱۳۸۳، ۲۵)، بررسی برخی از کارکردهای اجتماعی مراسم عاشورا در کشور ما از زمان شکل‌گیری این آیین تا پایان حکومت قاجاریان در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت. حسینیه‌ها به‌عنوان فضای رسمی برگزاری این مراسم از یک دوره تاریخی به بعد، مورد تأکید این مقاله هستند. در فرهنگ عصر حاضر حسینیه به محل برگزاری آیین عزاداری

پیشینه پژوهش

متأسفانه در خصوص معماری حسینیه‌ها تحقیقات وسیعی انجام نشده. در کتاب‌هایی که درباره بناهای مذهبی ایران نوشته شده، اغلب مساجد از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و درخصوص حسینیه‌ها تنها با اشاره مختصری صرفاً معرفی شده‌اند (مانند ملازاده، ۱۳۸۱؛ بزرگ‌نیا، ۱۳۸۵). هرچند که ذوقی حسینیه (۱۳۹۱) سعی داشته تا در کتاب معماری تکابای/ایران تا حد مطلوبی به توصیف ویژگی‌های کالبدی و شاخصه‌های معماری تکابا و حسینیه‌ها در ایران بپردازد. البته تحقیقاتی ارزنده نیز در این زمینه صورت گرفته. به‌طور مثال ناری‌قمی در مقاله «الگوهای کالبدی حسینیه‌ها: ریشه‌ها و تحولات» به بررسی سرچشمه‌های کالبدی-فرهنگی می‌پردازد که به ظهور پدیده منحصربه‌فرد شهری ایران در دوران اسلامی یعنی حسینیه منجر می‌شود (۱۳۹۵). در پژوهش «گفتمانی تحلیلی در ماندگاری حسینیه‌ها به مثابه کنش‌پذیری عملکردی فضاهای عمومی شهری در بازتاب باورها و آیین‌های جمعی» نویسندگان با رجوع به نظریات اندیشمندان

روش پژوهش

این تحقیق براساس ماهیت کیفی و براساس روش، تحقیقی تاریخی است و جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز آن، به روش کتابخانه‌ای و مشاهده انجام پذیرفته است. بدین معنی که داده‌ها براساس مطالعه منابع مکتوب دسته اول تاریخی، اعم از تواریخ عمومی و محلی، سفرنامه‌ها و کتب شرح حال و غیره، و منابع دسته دوم در مورد سیر تحولات آیین عزاداری امام حسین^(ع) در طول قریب به هزار سال، از قرن دوم هجری قمری تا پیش از دوران پهلوی گردآوری شده است. این دوره تاریخی بدین دلیل در نظر گرفته شده است که این مراسم در این بازه زمانی بیشترین میزان تغییرات را به لحاظ شکلی، محتوایی و کارکردی تجربه کرده است. داده‌های حاصله در جهت کشف وضعیت فضاهای در نظر گرفته شده جهت برگزاری این آیین در این بازه تاریخی به روش توصیفی-تفسیری مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. سپس از خلال مقایسه داده‌های مربوط به هر دوره تاریخی، سعی شده تا سیر تحول فضاهای مورد نظر تشریح گردد.

کردند و همه به یاد امام حسین (ع) تیانچه زدند (ابن اثیر، ۱۳۸۲، ج. ۱۲، ۵۰۹۱). شاید بتوان گفت که در این دوران برای اولین بار در عین توسعه وجه نمایشی عزاداری امام حسین (ع)، این مناسک به‌عنوان یک سنت عمومی مشروعیت یافت.

در ایران با روی کار آمدن دولت متعصب سنی سلجوقی در قرن پنجم هجری، ابراز و اظهار تمام شعائر شیعی و از جمله عزاداری ممنوع شد. در نتیجه، حکومت وقت، شیعیان را از برگزاری مراسم عزاداری منع می‌کرد (حجازی، ۱۳۸۲، ۳۲).^۲ لیکن هم‌زمان با حمله مغول و رشد تصوف، گرایش‌های صوفیانه و تفاسیر زهدگرایانه از زندگی، روزبه‌روز بر تعداد خانقاه‌ها افزوده شد و برداشت‌های انقلابی و تفاسیر مبارزاتی از واقعه عاشورا، جای خود را به برداشت‌های عرفانی و دنیاگریز داد و تحریفات زیادی در نقل و تفسیر وقایع عاشورا در این دوره، ایجاد گردید. تحت فشار حکام وقت مجالس عزاداری امام حسین (ع) از مساجد بیرون آمده و به خانقاه‌ها منتقل شد (Rahimi, 2011, 211). غلبه وجود نگاهی کاملاً انتزاعی به موضوع عاشورا و مناسک عاشورا که به‌شدت تحت استیلای مضمون غم و سوگ و متأثر از احساس و عاطفه است و کم‌تر بر تفکر و اندیشه دینی نظارت دارد و تا حدی تقویت‌کننده نوعی دین‌داری صوفیانه و محدود به فضای خصوصی فردی است، در این دوران قابل مشاهده است (مظاهری، ۱۳۹۰، ۵۳). در قرن نهم، با آن که امرای تیموری اغلب حنفی بودند، با سایر مذاهب، از جمله تشیع، با مدارا رفتار می‌کردند. این مسئله، فرصت مناسبی را برای شیعیان فراهم آورد تا به تبلیغ مذهب خود و برگزاری آیین‌های مذهبی‌شان مجدداً مبادرت ورزند (صفا، ۱۳۶۶، ۵۲-۵۴).

مستنداتی مبنی بر برگزاری رسمی مراسم عزاداری امام حسین (ع) در دوران حکومت شاه اسماعیل اول و اوایل حکومت شاه تهماسب همچون مابقی دوران حکومت صفویه وجود ندارد.^۳ نوشته‌های سفرنامه نویسان در قرن پانزدهم و شانزدهم میلادی همچنان بر اجرای کم‌تر عمومی این مراسم و در جمع‌های خاص مانند قزلباش‌ها اشاره دارند. در اواسط قرن شانزدهم میلادی اولین توصیف از برگزاری مراسم محرم در دوران صفویه را در سفرنامه میکله ممبره می‌بینیم.^۴ ممبره به حضور زنان در عصر هنگام و در مساجد محلی برای شنیدن نوحه‌خوانی اشاره می‌کند (ممبره، ۱۳۹۸، ۴۳). این توصیفات این نکته را آشکار می‌سازد که تا این زمان اگرچه مراسم عزاداری به شکل عمومی‌تر و در تمام سطح شهر برگزار می‌شده اما هنوز شاه به‌طور رسمی در این مراسم شرکت نمی‌کرده است. با روی کار آمدن شاه‌عباس و بحران مشروعیت و اقتداری که به‌شدت حکومت صفویان را تهدید می‌کرد، تحولات عظیمی در برگزاری مراسم محرم چه از جهت مقیاس و چه از جهت وجه دراماتیک آن مشاهده می‌شود. مراسم محرم به یکی از مفاهیم وحدت‌بخش و هویت‌بخش ایرانیان در تقابل با دو امپراطوری مسلمان سنی‌مذهب در شرق و غرب بدل می‌گردد. به‌طور مثال اسکندر بیک ترکمان منشی در کتاب خود به اهمیت برگزاری مراسم عزاداری در عصر عاشورا در اردوگاه شاه‌عباس در جنگ با ازبکان در سال ۱۶۰۲ میلادی و در جنگ با عثمانیان در سال ۱۶۰۴ اشاره می‌کند (منشی، ج. ۲، ۸۴۶). پس از این در منابع متعدد به برگزاری شکوهمند مراسم عزاداری امام حسین (ع) در دهه محرم در کلیه شهرهای ایران اشاره شده است. نکته مهم که همه این منابع به آن تأکید دارند حضور مستقیم طبقه حاکمه و به‌خصوص حاکم شهر در

و صاحب‌نظران این حوزه به دلایل ماندگاری فضاهای عمومی شهری به‌طور عام و ماندگاری حسینیه‌ها به‌طور خاص پرداخته‌اند و تأثیرپذیری کالبد این فضاها را از شرایط اقلیمی مورد تأکید قرار داده‌اند (مختاباد و دیگران، ۱۳۹۰). به‌ناز امین‌زاده نیز در مقاله خود با عنوان «حسینیه‌ها و تکایا بیانی از هویت شهرهای ایرانی» با بررسی اهمیت مراسم ماه محرم و شناسایی اجمالی مکان‌هایی با عملکرد مشابه در سایر جوامع شیعه‌نشین، به تحلیل ویژگی‌های خاص مفهومی، کیفیت فضایی و کیفیت بصری حسینیه‌های ایرانی پرداخته است (۱۳۷۸).

در گروه دیگری از پژوهش‌ها که از تعداد بیشتری نیز برخوردار هستند به معرفی اجمالی برخی از حسینیه‌های شاخص در سراسر ایران پرداخته شده است که اغلب بر یکی از وجوه معمارانه این بناها مانند تزیینات، ترکیب فضایی، سال ساخت و... تأکید داشته‌اند (مانند بلالی اسکویی و پایدار، ۱۴۰۰؛ کرم‌زاده شیرازی و متدین، ۱۳۹۳؛ کیان، ۱۳۹۲). همچنین گروه دیگری از مقالات در خصوص حسینیه‌ها، تأثیر شرایط اقلیمی بر کالبد این‌گونه بناها را مورد بررسی قرار داده‌اند (مانند رضوی‌پور و ذاکری، ۱۳۹۵؛ هاشمی زرج‌آباد و دیگران، ۱۳۹۳). دسته سومی نیز وجود دارند که حسینیه‌ها را از منظر نقشی که در بستر شهر و به‌عنوان یک فضای شهری ایفا می‌کنند، مورد مطالعه قرار داده‌اند (مانند قوچانی و تاجی، ۱۳۹۸؛ دویران و دیگران، ۱۳۹۱). با توجه به آنچه گفته شد، جای خالی پژوهش‌هایی که فارغ از تمرکز بر یک حسینیه به‌خصوص به بررسی سیر تحول این‌گونه از بنا و عوامل تأثیرگذار بر ویژگی‌های معمارانه آنها، بپردازند، احساس می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

سیر تحول تاریخی مراسم عزاداری امام حسین (ع) در ایران
اگرچه جزئیات مراسم عزاداری برای امام حسین (ع) نه‌تنها در جوامع گوناگون شیعه مانند ایران، کشورهای عربی و غیره، بلکه از شهر به شهر و گاه از محله به محله متفاوت است ولی می‌توان جریان‌های اصلی را در نحوه برگزاری آن در ایران در طول بازه تاریخی مورد نظر این پژوهش شناسایی کرد. عزاداری برای امام حسین (ع) در دوره‌های مختلف تاریخی از یکسو به لحاظ صورت‌بندی، فرم و محتوا و از سوی دیگر به لحاظ کارکرد خود در جامعه تغییرات بسیاری را پذیرا بوده است. طبری اولین مراسم عزاداری امام حسین (ع) را در زمان انتقال اجساد شهدای کربلا به کوفه توصیف می‌کند (ج. ۷، ۲۳۷). تا پایان حکومت امویان این مراسم به شکل مجالس وعظ و خطابه در خانه امامان یا مساجد برگزار می‌شد. با به قدرت رسیدن عباسیان این مراسم در جهت افزایش مشروعیت دینی عباسیان نزد شیعیان، توسط خلفای عباسی مورد حمایت قرار گرفت؛ هرچند که همچنان با برگزاری تجمعات بزرگ مخالفت می‌شد (Ayoub, 1978, 153).

در سده‌های چهارم، پنجم و ششم، هم‌زمان با تشکیل دولت‌های آل‌بویه در ایران، مذهب تشیع گسترش و به‌تبع آن، مراسم عزاداری هم توسعه یافت. به‌طور مثال معزالدوله^۱ در سال ۳۵۲ هجری قمری دستور داد شیعیان جمع شوند و مراسم عزاداری عاشورا را در انتظار عمومی برگزار نمایند. بدین شکل مراسم عزاداری امام حسین (ع) از مساجد خارج شد و در سطح شهر به شکل عمومی برگزار گردید. در آن روز، بازارها تعطیل شد، خریدوفروش متوقف گردید و مردم به نوحه و عزاداری پرداختند و زنان موی پریشان و چهره سیاه نموده، در شهر حرکت

امام حسین^(ع) وارد مرحله جدیدی شد و از لحاظ شکلی، میزان توسعه و نیز محتوا دگرگونی‌هایی یافت.

رقابت شاهزادگان، رجال درباری و اعیان و اشراف در ساخت حسینیه و اجرای تعزیه را از ویژگی‌های این دوران می‌توان دانست که هر یک به‌نوبه خود در دهه اول محرم در حسینیه‌ها یا حیاط‌های بزرگ خانه‌هایشان، مجالس سوگ و تعزیه‌خوانی بر پا می‌کردند. به‌طور مثال کنت دوسرسی سفیر فرانسه در ایران به این نکته اشاره می‌کند که افراد متمول و صاحب‌منصب بساط مفصلی در خانه‌های بزرگ خود و یا حسینیه‌های عمده شهر برپا می‌کرده‌اند (۱۳۶۲، ۱۵۷). انگیزه این گروه در تعزیه‌داری یکسان نبود، بعضی به نیت ادای دین یا به‌جا آوردن نذر و نیاز دست به این کار می‌زدند اما بعضی نیز تعزیه‌داری را وسیله تظاهر به اشرافیت و حفظ ظاهر و به‌دست آوردن اعتبار اجتماعی و تحکیم و تقویت نفوذ مذهبی در میان عامه قرار داده بودند و بعضی دیگر به قصد رقابت و هم‌چشمی با رقیبان سیاسی و به نمایش گذاشتن ثروت و مکنت خود و دست‌های دیگر نیز به منظور سرگرمی به این کار دست می‌زدند (تاجبخش، ۱۳۸۷، ۲۴۲). در این زمان به‌جز تهران به‌عنوان پایتخت، سایر شهرها نیز در عزاداری گوی سبقت را از هم ربوده بودند. توصیف آیین عزاداری در اصفهان در این دوران توسط ماساهوری ژاپنی نشان‌دهنده شکوه و عظمت این مراسم در سایر شهرها است (۱۳۶۲، ۱۵۷). علاوه بر این توصیفات دیگری از برگزاری این مراسم در شهرهایی نظیر قزوین و تبریز نیز ارائه شده است (گرتروید بل، ۴۲؛ جان ویشارد، ۱۶۲-۱۶۴). جدول (۱) خلاصه‌ای از آنچه به‌عنوان تاریخچه برگزاری این مراسم و کارکرد اجتماعی آن در ایران تا ابتدا تا پایان دوران قاجار مطرح شد را بیان می‌دارد.

بحث

همان‌طور که پیش‌ازین نیز اشاره شد، در ادبیات تاریخ معماری

تمامی مراحل این مراسم است. به‌طور مثال آنتونیو دو گوا در سال ۱۶۰۳ در گزارش خود از سفر به ایران اولین توصیف دقیق را از برگزاری مراسم عزاداری در شهر شیراز ارائه می‌دهد.^۵ این توصیفات چند نکته حائز اهمیت را در بر دارد: اول حضور زنان، دوم حضور مستقیم حاکم شهر در مراسم و سوم وجه کارنوالی که در این مراسم شکل گرفته و در طول حکومت صفویان رفته‌رفته رشد می‌کند (ترکیبی از اندوه یادآوری واقعه و لذت)^۶ و چهارم برگزاری این مراسم در فضاهای اصلی شهر. پس از آن نیز در منابع دیگر به این مراسم اشاره شده است. به‌طور مثال در روزنامه ملاجلال به برگزاری مراسم عزاداری امام حسین^(ع) در شهر لار در سال ۱۶۰۴ میلادی و در شهر اصفهان در سال ۱۶۰۹ میلادی، تحت نظارت و کنترل شاه‌عباس اشاره شده است (۱۳۶۶، ۲۹۰ و ۳۶۰). همین‌طور دلاواله توصیف دقیقی از برگزاری این مراسم در اصفهان در سال ۱۶۱۸ میلادی (۱۰۲۷ قمری) ارائه می‌دهد.^۷

پس از صفویان در دوره‌های زنده و قاجار نیز برپایی مراسم دهه عاشورا همچنان پررونق باقی ماند. کریم‌خان زند به آداب و مراسم مذهبی مقید بود و در ماه محرم هیأت‌های عزاداری را برپا می‌کرد. شاخصه مهم این مقطع از تاریخ، شکل‌گیری اولین نمونه‌های مجالس شبیه‌خوانی است. به‌طوری‌که فرانکلین در سفرنامه خود اشاره می‌کند که «هر روز قسمتی از موقوفه کربلا، توسط افرادی که برای این منظور انتخاب شده‌اند، نمایش داده می‌شود» (۱۳۵۸، ۷۲). قاجاریان به لحاظ مبنای مشروعیت سیاسی، اگرچه ابتدا تلاش کردند خود را از تبار صفویه قلمداد و بدین‌سان خود را از مشروعیت دینی مورد ادعای آنان برخوردار کنند، به‌زودی این داعیه را رها ساختند و به سمت جایگزین کردن مشروعیت حاصل از حمایت روحانیان شیعه از دولت به‌جای مشروعیت نسبی پادشاه حرکت کردند (شجاعی‌زند، ۱۳۷۶، ۸۲). از این‌رو شاهان قاجار دل‌بستگی و توجه ویژه‌ای به رعایت آداب و برگزاری مناسک و شعائر دینی از خود نشان می‌دادند. در این دوران عزاداری و سوگواری

جدول ۱- سیر تحولات کارکردی و فرمی مراسم عزاداری امام حسین^(ع) از ابتدا تا پایان دوره قاجار (بر اساس نظریه دورکیم).

دوره تاریخی	کارکرد اجتماعی	ویژگی‌های فرمی و محتوایی تحت تأثیر کارکرد
از ابتدای شکل‌گیری تا قرن دوم (ه.ق)	تحمل انضباط بر نفس و خویشنداری	- گفتگمانی حاشیه‌ای در دین‌داری در حیطه خواص - به شکل مجالس وعظ در مکان‌های مقدسی مانند مساجد یا خانه امامان
از قرن دوم (ه.ق) تا به حکومت رسیدن سلجوقیان (قرن پنجم ه.ق)	اجرای مراسم با هدف ابقای میراث اجتماعی گروه و انتقال ارزش‌های پایداری آن به نسل‌های آینده - ابزار و رسانه تبلیغ تشیع	- گسترش و توسعه مراسم عزاداری - برگزاری مراسم در انتظار عمومی و در فضاهای عمومی شهر با تأکید بر حضور زنان - شامل مرتبه‌خوانی و نوحه‌خوانی
دوران حکومت مغول‌ها (از قرن هفتم ه.ق تا قرن دهم ه.ق)	برانگیختن احساس خوشبختی و اطمینان به حقانیت و مقابله با احساس ناکامی، غم و رنج با گریه‌ها و عزاداری‌های جمعی و شورآفرینی‌های خاص و احساس تطهیر و نزدیکی به خدا	- رشد جنبه‌های صوفی‌گرا، تقه سیرگرایانه و خرافی تحت استیلا مضمون غم و سوگ در مراسم - برگزاری مراسم در خانقاه‌ها و در جمع‌های خصوصی
عصر صفوی (قرن دهم تا دوازدهم ه.ق)	- تولد و وحدت ملی در برابر نفوذ دو امپراطوری سنی مذهب در شرق و غرب - افزایش مشروعیت حکومت مرکزی در برابر مردم به‌عنوان یک حکومت دینی شیعی	- برگزاری شکوهمند و یکپارچه مراسم در تمامی شهرها با صحنه‌آرایی خاص - برگزاری مراسم در انتظار عمومی و در فضاهای عمومی شهر با تأکید بر حضور زنان - توسعه وجه نمایشی و دراماتیک مراسم - حضور مستقیم شاه و حکام محلی در مراسم
عصر قاجاری (قرن سیزدهم ه.ق)	- افزایش مشروعیت حاصل از حمایت روحانیان شیعه برای حکومت - وسیله تظاهر به اشرافیت و حفظ ظاهر و به‌دست آوردن اعتبار اجتماعی در میان طبقات مختلف اجتماعی - رقابت و هم‌چشمی صاحب‌منصبان با رقیبان سیاسی خود	- توسعه هرچه بیشتر وجه نمایشی و سرگرم‌کننده این مراسم به‌خصوص با تأکید بر نمایش تعزیه - برگزاری مراسم به شکل گسترده و در تمامی شهرهای ایران - برگزاری مراسم توسط گروه‌های اجتماعی مختلف - برگزاری مراسم مخصوص بانوان

اصلی شهر و با حضور حاکمان شهر انتقال پیدا می‌کند. احتمالاً با بالا گرفتن نزاع‌های حیدری-نعمتی در شهرها در عصر صفوی و با توجه به اینکه حاکمان شهر به این مناقشات دامن می‌زدند^{۱۱}، به‌خصوص در طی این مراسم، به‌مرور نیاز به برگزاری آن در محله‌های متفاوت و مخصوص این دو فرقه احساس شد. بدین‌سان دور از ذهن نیست که در اغلب شهرها و روستاها تدارک فضایی مناسب جهت برگزاری چنین گونه‌هایی از مراسم در دستور کار قرار گیرد.

با توجه به بستر مناسب کالبدی مساجد (فضایی با پلان آزاد (بدون تقسیم‌بندی به حجره‌ها) و تنها با ردیف ستون‌ها یا حیاطی که حتی این محدودیت را نیز ندارد و لذا تجمع کانونی افراد را در شیوه‌های خاص عزاداری ممکن می‌کند)، مراسم عزاداری می‌توانست در مساجد برگزار شود؛ لیکن همان‌طور که پیش‌ازین نیز اشاره شده بود با گسترش وجه نمایشی، تئاتری و خرافی این مراسم که در دوران صفوی شکل جدیدی به خود گرفته بود، قرن‌ها بود که به‌جز بخش وعظ و خطابه‌ای که اغلب شب‌هنگام و توسط واعظین روی می‌داد، بخش اصلی و عمومی این مراسم خارج از مساجد برگزار می‌شد. این امر نه بر مبنای عدم تناسب کاربری و کالبد، صورت پذیرفته، بلکه پیامد تحولات اجتماعی و فرهنگی مستتر در اعمال مربوط به این مراسم بوده است. بنابراین عدم امکان برگزاری عزاداری امام حسین (ع) در مساجد به دلایلی نظیر عدم تناسب مسجد با کاربری‌های نمایشی، ایجاد مزاحمت برای برپایی نماز، عدم امکان حضور همه بانوان در مراسم، حرمت به‌کارگیری آلات موسیقی و غیره، ضرورت تولد گونه جدیدی از فضاهای جمعی را که بتواند برگزاری این مراسم را پشتیبانی نماید، توجیه می‌کند.

با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد که اولین حسینیه‌ها با هدف ایجاد فضایی شهری که از یک سو برای تجمع در راستای برپایی مراسم و از سوی دیگر برای توقف (ایستادن یا نشستن) و تماشای یک مراسم تقریباً طولانی در برخی از ایام سال، به‌خصوص در اقلیم سخت مناطق مرکزی ایران، مناسب باشد، شکل گرفتند.^{۱۲} تصور اینکه ترکیب‌بندی فضایی این حسینیه‌ها، صرفاً از اشکال آیین‌های تعزیه که فرمی مرکزگرا دارند، نیز می‌تواند صحیح نباشد. به‌ویژه همان‌طور که پیش‌ازین اشاره شد، اغلب پژوهشگران رواج تعزیه را نسبت به پیدایش حسینیه‌های عزاداری متأخر دانسته‌اند و به دوره زندگی به‌عنوان مبدأ اضافه شدن سکوی تعزیه در حسینیه‌ها اشاره کرده‌اند. ناری قمی در پژوهش خود این فرضیه را مطرح می‌سازد که میدان- حسینیه‌ها (کم یا زیاد) می‌توانسته‌اند تحت تأثیر میدان نقش جهان اصفهان شکل گرفته باشند. مقصود از این بحث این نیست که الگوی به‌کاررفته در گروه میدان- حسینیه‌های این ناحیه مستقیماً یا حتی آگاهانه از الگوی مدارس برداشت شده است یا حتی به نحو وسیع تحت تأثیر آن بوده است، بلکه منظور اهمیت شیوه پاسخگویی کالبدی به الزامات عملکردی مورد توجه است که میدان نقش جهان، از نمونه‌های منحصربه‌فرد، در میان فضاهای متقدم نسبت به حسینیه‌هاست که با آنها شباهت زیادی دارد (۱۳۹۵). این امر با توجه به اهمیت شهر اصفهان به‌عنوان پایتخت در عصر صفوی و مراسم باشکوه عزاداری امام حسین (ع) که در میدان نقش جهان برگزار می‌شده و همچنین کالبد مناسب این میدان برای کارکردهای نمایشی، همان‌طور که پیش‌ازین نیز اشاره شد، محتمل به نظر می‌رسد. به‌طوری‌که با توجه به موضوع موقتی بودن زمان‌های

سیر تحول کالبدی حسینیه‌ها و عوامل مؤثر بر این تحولات کم‌تر مورد مطالعه قرار گرفته است. در این بخش تحولات کالبدی فضاهای برگزاری مناسک عاشورا در طول تاریخ برگزاری عزاداری امام حسین (ع) (از آغاز تا پایان عصر قاجار) مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ همچنین سعی خواهد شد تا رابطه بین این تغییرات کالبدی و ساختاری با تحولات در کارکرد اجتماعی این مراسم شفاف گردد. از ابتدای شکل‌گیری این مراسم تا پایان حکومت امویان، همان‌طور که پیش‌ازین مطرح شد، این مراسم با هدف انتقال ارزش‌های پایدار واقعه کربلا به نسل‌های آینده برگزار می‌شد. لذا به‌واسطه غلبه وجه قدسی و دینی آن و شکل برگزاری ساده و غیرنمایشی که تنها در قالب جلسات وعظ و سخنرانی چهره‌های شاخص دینی بوده، فضایی خاص برای برگزاری آن در نظر گرفته نمی‌شد و در مکان‌های مقدسی همچون مساجد و منازل امامان اتفاق می‌افتاد.

پس از به قدرت‌رسیدن خلفای عباسی و آل بویه در ایران، با به قدرت‌رسیدن شیعیان در قسمت‌های متعددی از سرزمین‌های اسلامی و نیاز به توسعه کمی این مراسم و عمومیت‌بخشیدن به آن به‌عنوان رسانه‌ای برای تبلیغ تشیع، شکل و تا حد کمی محتوای این مراسم تغییر پیدا کرد. در این شرایط اگرچه هنوز توسعه وجه نمایشی و خرافی آن لزوم خروج این مراسم را از مکان‌های مقدس ایجاب نمی‌کرد، لیکن تمایل به نمایش گسترده و عمومیت‌بخشیدن به آن، تغییر در مکان‌های برگزاری را به دنبال دارد. بدین شکل، در این مرحله، شهر در کلیت خود و فضاهای شهری اصلی از جمله بازار در این ایام جامه عزرا بر تن می‌کند و به محل برگزاری مراسم عاشورا بدل می‌گردد.

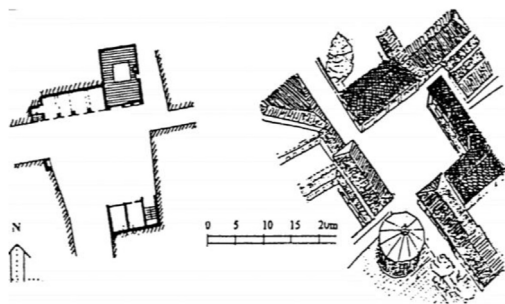
با شروع حکومت ایلخانان و با رشد جنبه‌های تفسیرگرایانه و خرافی تحت استیلای مضمون غم و سوگ (از جمله آسیب‌رساندن به بدن توسط عزاداران)، از یکسو و کاهش نقش جمعی و افزایش نقش فردی این مراسم در راستای کاهش دردها و آلام حاصل از شرایط سخت اجتماعی ایرانیان و شیعیان پس از حمله مغول‌ها از سوی دیگر، برگزاری آن شرایط جدیدی را طلب می‌کرد. در چنین بستری، از طرفی برگزاری عزاداری امام حسین (ع) در فضاهای شهری همچون دوره پیشین، به دلیل ممنوعیت از سوی حکومت، ممکن به نظر نمی‌رسید. از طرفی دیگر مساجد نیز، به دلیل احتمالی عدم تناسب ماهیت مکان‌های مقدس با ماهیت خرافی این مراسم، دیگر برای این منظور مناسب نبودند. لذا همان‌طور که پیش‌ازین نیز اشاره شد، این مراسم آیینی در مکان‌های خصوصی موجود مانند خانقاه‌های صوفیان برگزار می‌شد. از جمله در منابع تاریخی به کاربرد وسیع تکیه‌های صوفیانه قزوین برای برگزاری این مناسک تا اوایل حکومت شاه‌تهماسب اشاره شده است.^{۱۳}

با به قدرت‌رسیدن صفویان و اهمیت یافتن نقش نمایشی کلیه آیین‌های مذهبی و باستانی در بازتولید وحدت و هویت اجتماعی، شهر به یک‌باره برای نیل به این هدف بازآرایی می‌شود و کلیه فضاهای جمعی در مقیاس شهری به بخشی از صحنه‌آرایی این نمایش بدل می‌شوند.^{۱۴} به‌طوری‌که اغلب میدان‌های شهری مانند میدان نقش جهان به امکاناتی همچون طاق‌نماهای اطراف میدان در دو طبقه یا فضاهای سایه‌اندازی‌شده دیگر جهت تماشای اتفاقات و مراسم جاری در میدان مجهز می‌گردند. بدین شکل مراسم عزاداری امام حسین (ع) که در ابتدای عصر صفوی (دوران شاه‌اسماعیل و شاه‌تهماسب) همچنان در تکاپای صوفیان و خانقاه‌ها برگزار می‌شد^{۱۵}، در زمان شاه‌عباس به میدان‌های

می‌شد. به‌طور مثال در شهر بیرجند اکثر حسینیه‌های دوره قاجار در محله سرده مستقر شده‌اند و علت این موضوع احتمالاً به این دلیل می‌تواند باشد که این محله متعلق به اعیان و اشراف این شهر بوده است. رونق آیین تعزیه، در مقابل، رکود مجالس روضه‌خوانی را به دنبال داشت؛ زیرا علاوه بر جذابیت و عوام‌پسندتر بودن ماهیت نمایشی تعزیه، رواج بُعد محتوایی تعزیه، ارکان روضه‌خوانی را متزلزل کرد. بنابراین با گذشت زمان و رشد وجه نمایش‌گونه و تظاهرکننده در برگزاری آیین‌های عزاداری امام حسین^(ع) تغییرات مشخصی نیز در معماری این بناها رخ داد. این تحولات را در دو دسته اصلی تغییرات کالبدی و تحولات کارکردی می‌توان دسته‌بندی کرد.

تغییرات کالبدی حسینیه‌ها در عصر قاجار را در دو محور می‌توان بررسی نمود: تغییرات کالبدی در راستای هرچه مفصل‌تر کردن و باشکوه‌تر کردن این بناها و تغییر در تزیینات. در راستای افزایش سازه‌های حسینیه و تغییر تدریجی آنها از یک میدانچه محلی به یک بنای مستقل و مفصل به موارد متعددی می‌توان اشاره کرد. به‌طور مثال اغلب میدان-حسینیه‌هایی که ابتدا در ایام غیر عزاداری به‌عنوان بخشی از فضای شهری عمل می‌کردند، از اواسط قاجار به بعد دارای حریمی مشخص شده و در بقیه مواقع سال بسته می‌شدند (از جمله برخی از میدان‌های میبد). بنابراین از اواسط قاجار گونه دیگری

عزاداری، این حسینیه‌ها همچون میدان نقش جهان اغلب در بقیه ایام سال به‌عنوان بخشی از فضای شهر برای عبور و مرور و استفاده روزانه شهروندان مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. بدین‌سان، اولین حسینیه‌هایی که با موضوع برگزاری مراسم عزاداری امام حسین^(ع) به وجود آمدند، احتمالاً در عصر صفوی و در مناطق مرکزی ایران اغلب به تصویر (۱) میدانچه با دسترسی به گذرهای اطراف شکل گرفتند. در جداره این میدان-حسینیه‌ها غالباً در دو طبقه غرفه‌هایی وجود داشته که غرفه‌های طبقه بالا بیشتر مختص بانوان بوده و دسترسی آن‌ها از طریق پله‌هایی شکل می‌گرفته که در دو طرف ورودی قرار داشته‌اند. همچنین در یک سمت جداره می‌توانسته شاه‌نشینی وجود داشته باشد که معمولاً دسترسی مستقلی نداشته و ورودی آن از حیاط بوده است. تصویر (۱) حسینیه‌ای مربوط به دوران صفوی را نشان می‌دهد. حتی نمونه‌هایی از این الگوی کالبدی در مناطق شمالی ایران، علی‌رغم تفاوت‌های اقلیمی موجود، وجود دارد (شکل دو). بنابراین شکل‌گیری اولین حسینیه‌ها را می‌توان بر پایه دو مؤلفه اصلی یعنی الگوی کالبدی موجود در درجه اول و نیازهای کارکردی در درجه بعدی، دانست. همان‌طور که اشاره شد، در دوران قاجار مراسم عزاداری امام حسین^(ع) به بستر بازتولید قدرت طبقات اجتماعی بدل می‌گردد. بدین شکل این مراسم که در زمان صفویان اغلب به شکل یکپارچه، در شهر و زیر نظر مستقیم حاکم شهر برگزار می‌گردید، در عصر قاجار با افزایش رقابت درباریان و شاهزادگان در برگزاری مجالس و ساخت حسینیه‌هایی هرچه باشکوه‌تر، به تدریج این آیین به‌وسیله فخرفروشی و شهرت‌طلبی بزرگان مبدل گشت و حتی گاهی برای شاه و درباریان بیش‌تر امری سرگرمی‌ساز محسوب



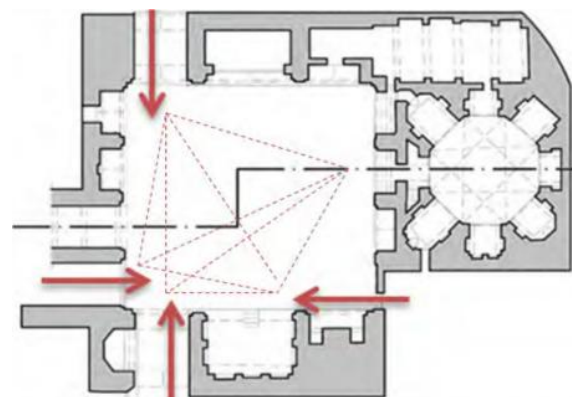
تصویر ۲- تکیه زرگر محله در یابل (سمت راست) و تکیه سرچشمه در گرگان. مأخذ: (امین‌زاده، ۱۳۷۸، ۶۴)



تصویر ۴- پلان همکف حسینیه مجتهد (قاجار). مأخذ: (کرمزاده شیرانی و متدین، ۱۳۹۳، ۷۵)



تصویر ۱- حسینیه در زواره مربوط به دوره صفوی که نحوه اتصال آن به معبر مشخص است. مأخذ: (www.ima.ir)



تصویر ۳- حسینیه چهل دختران نایین مربوط به دوره قاجار. مأخذ: (قوچانی و تاجی، ۱۳۹۸، ۱۴)

شاهنامه، رجال سیاسی و مذهبی عصر قاجار^{۱۵} و غیره. اگرچه چنین نقوشی در تزیینات منازل مسکونی و باغات در این دوران به‌وفور مشاهده می‌شوند لیکن عدم تناسب آنها با کارکرد ذاتی مذهبی و آیینی حسینیه‌ها در اینجا مورد تأکید است. تصویر (۵) نمونه‌ای از این تزیینات را نشان می‌دهد. هرچند باید توجه داشت که نمونه‌هایی از نقوش اماکن مذهبی، فرشتگان بالدار و رجال سیاسی قاجار در مواردی از مسجد-مدرسه‌های قاجار نیز قابل مشاهده است، لیکن ابعاد این تصاویر و میزان در معرض دید بودنشان با نمونه‌های مشابه خود در تکایا قابل مقایسه نیست (تصویر ۵). به‌طور مثال نمونه‌هایی از چنین شمایل‌کشی‌هایی در تکایا موجود هستند که علی‌رغم به تصویر کشیدن زنان برهنه در قالب فرشتگان، کاملاً از قسمت مردانه قابل رؤیت هستند (تصویر ۶).

تغییر در نحوه استفاده از تکایا را می‌توان به‌عنوان دومین موضوع مطرح کرد. به‌طوری‌که به‌مرور زمان طبقات اجتماعی در شیوه استفاده از تکایا اهمیت پیدا می‌کنند. این موضوع با توجه به پیام اسلام در برابری انسان‌ها و رد جامعه طبقاتی به‌خصوص در یک بنا با موضوع دینی، اهمیت بسیاری پیدا می‌کند. اگرچه معمولاً تکایا به‌عنوان فضای شهری و عمومی بر شمرده می‌شوند، لیکن در عمل مثال‌های فراوانی برای نقض چنین نظریاتی وجود دارد. می‌توان نمونه‌هایی را مورد نظر قرار داد که در آن، هر غرفه می‌تواند متعلق به یک خاندان، فرقه یا قشر اجتماعی باشد. اهمیت این امر تا حدی است که اساساً می‌توان تکیه یا حسینیه را (حداقل در مورد کارکرد عزاداری و آیینی) در عصر قاجار از حوزه فضاهای عمومی و شهری خارج کرد. در واقع، این فضاها در عمومی‌ترین شکل خود (میدان-حسینیه‌ها) بعضاً متعلق به یک محله یا بخشی معین از شهر و جزئی از هویت آن بوده است. در نایین هر حسینیه متعلق به یک محله از هفت محله شهر است و در زواره دو حسینیه «بزرگ» و «کوچک»، اصالتاً تفکیک «حیدری» و «تعمتی» را در بطن خود داشته است. ایجاد در و دربند و بستن میدان‌ها (حسینیه‌ها) به روی عموم در میدان در دوران معاصر نیز در همین راستا قابل طرح است. گذشته از این نمونه‌ها که به هر حال می‌تواند فضای شهری فرض شود، صنفی، طبقه‌ای و حتی شخصی بودن فضای عزاداری، در سایر انواع تکایا، کاملاً واضح است. به‌طور مثال حسینیه «مشیر» شیراز اصولاً بخشی از خانه ابوالحسن خان مشیرالملک بوده است و دارای شاه‌نشینی برای نشستن وی و مقامات رسمی و مدعوین است (تصاویر ۷-۸). چنانکه از نام

از حسینیه‌ها به وجود می‌آیند که به شکل فضایی سرپوشیده، همچون یک گنبدخانه، شست‌مان یا ساختمانی مفصل‌تر (دارای ایوان و حیاط)، در میانه یا مجاور بازار و یا شریانی دیگر استقرار یافته‌اند. تصویر (۳) نمونه‌ای از میدان حسینیه‌های دوره قاجار را نشان می‌دهد که فضای گنبدخانه به آن الحاق شده است. همچنین تصویر (۴) حسینیه مجتهد اردبیل را نشان می‌دهد که دارای فضاهای الحاقی و خدماتی متعددی می‌باشد.

همچنین درباره کاربری پذیرایی در اولین حسینیه‌ها، می‌توان با اطمینان زیادی، آن را برای سازندگان، فاقد اهمیت، در حد ایجاد کالبد فیزیکی دائمی و معین دانست. به‌طوری‌که در بیشتر حسینیه‌ها در ابتدا، تنها فضای خدماتی آب‌انبار و آبریزگاه بوده لیکن با گذشت زمان فضاهایی نظیر آشپزخانه نیز به این بناها اضافه شده است. برای مثال، در نایین، از هفت حسینیه، تنها دو حسینیه دارای آشپزخانه و سه حسینیه، دارای سالن غذاخوری هستند که همگی در دوران معاصر و با استفاده از زمین‌های مجاور (خرید یا وقف مالکان) ایجاد شده‌اند و اصالت تاریخی ندارند و تمامی این عملکردها در گذشته در فضای باز (آشپزی) یا زیر چادر موقت حسینیه (پذیرایی) انجام می‌شده است. دومین گروه از تغییرات را در تزیینات چنین بناهایی می‌توان جستجو کرد. اگرچه عمده تزیینات در این بناها تزیینات آجرکاری بوده و تنها در سردر ورودی و برخی قسمت‌های دیگر، تزیینات رنگی کاشی کاری وجود داشته است، لیکن به نظر می‌رسد که با رشد وجه نمایشی و تئاترگونه تعزیه به‌عنوان فعالیت محوری در عزاداری امام حسین(ع) در این دوره از یک سو و با توجه به رواج تصاویر مذهبی، ثبت وقایع دینی، چهره‌های انسانی، شمایل‌کشی از شاهان یا پیکره نما با موضوع‌هایی همچون فرشتگان و انسان‌هایی که مشغول انجام مراسم رسمی هستند، در نقاشی‌های دیواری و کاشی نگاره‌های عصر قاجار از سویی دیگر، نقوش کاشی کاری تکایا، تغییرات اساسی را به خود دیده‌اند. در عصر صفوی و تا اواسط قاجار اغلب، تزیینات میدان-حسینیه‌ها و تکایا را شیوه‌های مختلف آجرکاری، مقرنس، رسمی‌بندی، گچ‌بری اسلیمی گل و گیاه و کتیبه‌هایی که بیشتر اشعار محتشم کاشانی^{۱۳} را در برداشتند^{۱۴}، تشکیل می‌داد. لیکن در اواخر دوره قاجار شاهد این هستیم که نقوش انسانی، اماکن مذهبی و مناظر طبیعی بخش بزرگی از تزیینات حسینیه‌ها را در بر می‌گیرد، مانند تصاویر برخی از پیامبران، به تصور کشیدن صحنه‌هایی از واقعه کربلا، شاهان سلسله‌های مختلف، صحنه‌هایی از داستان‌های



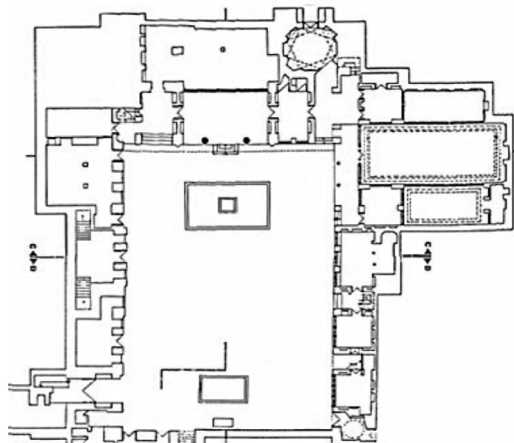
تصویر ۶- موقعیت کاشی نگاره با نقش فرشته بالدار در تکیه معاون‌الملک کرمانشاه. مأخذ: (آرشیو شخصی سعید بهداد)



تصویر ۵- کاشی نگاره ایوان تکیه مشیرالملک در شیراز. مأخذ: (کیان، ۱۳۹۲، ۷۹)

بوده‌اند. جدول دو خلاصه‌ای از آنچه به‌عنوان سیر تاریخی تحولات در فضاهای برگزاری این مراسم در ایران از ابتدا تا پایان دوران قاجار مطرح شد را نشان می‌دهد.

سایر حسینیه‌های قاجاری تهران نیز مشخص است، بانیان آنها معمولاً گروه‌های شهرستانی ساکن پایتخت، ثروتمندان و متنفذان بوده‌اند. حتی مستندات تاریخی وجود دارد که حسینیه‌های قاجاری در اغلب شهرها به ابزاری برای قدرت‌نمایی محله‌های یک شهر نسبت به هم بدل شده



تصویر ۸- پلان حسینیه مشیر در شیراز. مأخذ: (کیان، ۱۳۹۲، ۶۷)



تصویر ۷- حسینیه مشیر و شاه‌نشین آن در عصر قاجار. مأخذ: (ویلیم و دیگران، ۱۳۸۱)

جدول ۲- سیر تحولات معماری فضاهای برگزاری مراسم عزاداری امام حسین^(ع) از ابتدا تا پایان دوره قاجار.

ویژگی‌های فرمی و محتوایی مکان				مکان برگزاری مراسم	دوره تاریخی
سطح‌بندی طبقات اجتماعی	جلال و شکوه بنا	عدم هماهنگی ظواهر بنا با مفهوم قدسی آیین	آزادبودن استفاده برای عموم استفاده برای عموم		
				مساجد و خانه امامان	از ابتدای شکل‌گیری تا قرن دوم (ه.ق)
				در خیابان‌ها و فضاهای عمومی شهر	از قرن دوم (ه.ق) تا به حکومت رسیدن سلجوقیان (قرن پنجم ه.ق)
				خانقاه‌های صوفیان	دوران حکومت مغول‌ها (از قرن هفتم ه.ق تا قرن دهم ه.ق)
				در میدانی شهری و محلی	عصر صفوی (قرن دهم تا دوازدهم ه.ق)
○	○	○	○	در حسینیه‌ها	عصر قاجاری (قرن سیزدهم ه.ق)

نتیجه

منظر معماری در گام دوم این نوشتار شکل گرفت. ویژگی‌های متنوع در نظام کالبدی تکایا (حسینیه‌ها) و محل برگزاری مراسم عزاداری امام حسین^(ع) در ایران و از ابتدای شکل‌گیری این مراسم تا پایان دوره قاجار نشان‌دهنده تنوع عوامل تأثیرگذار بر معماری این فضاهاست. این مقاله ضمن تأکید بر اثرگذاری سایر عوامل، این موضوع را بررسی کرد که تحولات در ویژگی‌های کالبدی، عملکردی و موقعیت مکان‌های برگزاری این مراسم تا چه حد می‌تواند تحت تأثیر نقش کارکردی این آیین مذهبی در نظام اجتماعی حکومت‌های مختلف ایرانی در این بازه زمانی باشد. با توجه به آنچه تشریح شد و براساس جدول (۳) به نظر می‌رسد که می‌توان تناظر معناداری بین جهش‌های ایجاد شده در نقش کارکردی این مراسم در طول تاریخ و نقاط عطف تحول معماری در محل برگزاری آن برقرار کرد.

همان‌طور که در این مقاله مطرح شد مدل کارکردی سعی دارد تا کارکردهای اجتماعی آیین‌های دینی و مذهبی را در تبیین پدیده‌های دینی بازشناسد و دلایل وجودی آن پدیده‌ها را از این منظر بررسی کند. به‌طور کلی از دیدگاه کارکردگرایی، علت دوام و استمرار دین و مراسم دینی کارکردهایی است که برای اجتماع بشری دارند. به نظر می‌رسد که مراسم عزاداری امام حسین^(ع) در ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست و همان‌طور که اشاره شد در طول تاریخ، از زمان شکل‌گیری تا پایان دوره قاجار، کارکردهای متفاوتی را می‌توان برای آن شناسایی نمود. این کارکردهای متنوع تحمیل انضباط بر نفس و خویش‌نهادی، احیای میراث دینی و اجتماعی گروه، اطمینان‌یافتن به حقانیت و مقابله با احساس ناکامی، افزایش یکدلی و وحدت اجتماعی و کسب مشروعیت و اعتبار اجتماعی، بازتابی از شرایط اجتماعی خاص هر دوره بوده‌اند که به تفصیل مورد بحث قرار گرفت. بررسی فضاهایی که برای برگزاری این مراسم در طول این دوره زمانی مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند، از

جدول ۳- بررسی معناداری رابطه نقش کارکردی مراسم عزاداری امام حسین (ع) و تحولات معماری مکان‌های برگزاری این مراسم.

نقش کارکردی	از ابتدا تا قرن دوم	تا حکومت سلجوقیان	دوران حکومت مغول‌ها	عصر صفوی تا پایان زندیه	عصر قاجاری
نقش کارکردی تحصیل انضباط بر نفس و خوب‌بینی‌داری	مجالس وعظ در مکان‌های مقدسی مانند مساجد یا خانه امامان	گسترش و توسعه مراسم و برگزاری آن به شکل عمومی، با تأکید بر حضور زنان	رشد جنبه‌های خرافی تحت استیلای مفسون‌نم و سوگ در مراسم	توسعه وجه نمایشی و دراماتیک مراسم و برگزاری شگوه‌مند و یکبارچا آن در تندای شهرها یا صحنه آرائی خاص و با حضور پادشاه یا حاکم شهر	توسعه هرچه بیشتر وجه سرگرم‌کننده این مراسم با تأکید بر نمایش تفریح و برگزاری آن به شکل غیرمتمرکز توسط گروه‌های اجتماعی مختلف
نقش کارکردی	ویژگی‌های مراسم	غیر اختصاصی - غیر مقدس - عمومی	غیر اختصاصی - غیر مقدس - خصوصی	اختصاصی - غیر مقدس - عمومی (جزئی از فضاها شهر) - بی‌وجه به طبقات اجتماعی - تزئینات ساده هندسی یا گیاهی - در نظر گرفتن فضاهای خدماتی به شکل سازه‌های موقت	اختصاصی - غیر مقدس - خصوصی (متعلق به گروه خاص جامعه) - اهمیت طبقات اجتماعی - تزئینات رنگی با نقوش آسمانی و استفاده از چهره و اندام زنان در قاب فرش‌نگار - در نظر گرفتن فضاهای خدماتی و بخش‌های سرپوشیده وسیع

پی‌نوشت‌ها

- از امیران آل بویه (سلطنت ۳۳۴-۳۵۶ قمری).
 - با وجود این درگیری‌ها، در قرن‌های پنجم و ششم هجری، عبدالجلیل قزوینی رازی در کتاب *انقض*، با تکیه بر اسناد تاریخی، گزارش می‌دهد که مناقب‌خوانی، فضایل‌خوانی و نیز مقتل‌نویسی در این دوران بسیار رایج بوده است (به نقل از مظاهری، ۱۳۹۰، ۴۸-۵۱).
 - به‌طور مثال در سفرنامه فرستاده ونیزی کاترینو زینو در زمان شاه اسماعیل اول و *سفرنامه ونیزیان* در نیمه اول حکومت شاه‌تیماسب به نکته‌ای در این خصوص اشاره نشده است.
 - ممبره در اینجا اشاره می‌کند که مراسم در طول ده روز و با سیاه‌پوشیدن مردم برگزار می‌گشته و شاه‌تیماسب در طول این ده روز از محل اقامت خود خارج نمی‌شده است. از عصر هنگام تا نیمه‌های شب مردان در گروه‌های متعدد در سطح شهر حرکت کرده و در حین ذکر مصیبت امام حسین^(ع) به سوی مساجد روانه می‌شدند. همچنین اشاره می‌کند که مردان جوان در میادین شهری به شکل برهنه و با بدنی که به رنگ سیاه در آمده بر زمین افتاده بودند و مردانی نیز در میادین شهر با حفر گودال‌هایی در زمین خود را تا گلو در خاک دفن می‌کردند (۱۳۹۸، ۴۳).
 - بر طبق توصیفات او این مراسم در میدان شهر برگزار می‌شده و حاکم شهر سوار بر اسب عزاداران را همراهی می‌کرده. همچنین اشاره کرده که در طول این ده روز زنان نیز در کنار مردان در میدان تجمع می‌کرده‌اند و در انتهای روز به سمت مسجد روانه می‌شدند. همچنین به صحنه‌آرایی خاص این مراسم نیز اشاره می‌کند که شامل: تابوت‌های خالی، تعداد زیادی شتر پوشیده با رواندازهای آبی و زنان و کودکانی شیون‌کنان سوار بر آنها و مردانی با سروصورت خون‌آلود در حال مبارزه با یکدیگر، می‌شد (Matthe, 1991, 191).
 - به‌طوری‌که آنتونیو دوگوا به شادی و پای کوبی برخی از شرکت‌کنندگان
- در مراسم عزاداری اشاره کرده است.
- دل‌واله می‌نویسد:
- تعداد زیادی از سران و بزرگان کشور نیز در دسته مورد علاقه خود شرکت می‌کنند... حتی اگر خود شاه نیز در اصفهان باشد به انتخاب خود با یکی از دسته‌ها همراهی می‌کند... دسته‌ها میدان را دور می‌زنند و قبلاً جلوی درب قصر شاه و سپس جلوی مسجد بزرگ مقابل کاخ توقف می‌کنند و مراسم مذهبی چندی در این دو محل توأم با نوحه و فریاد اجرا می‌شود. (۱۳۸۰، ۱۲۵)
- همچنین او به جنگ بین دسته حیدری‌ها و نعمتی‌ها اشاره کرده و صحنه‌آرایی دقیق این مراسم را متشکل از پرچم، علم، سربند، شترهای آراسته شده، کفن‌های خالی و پسر بچه‌هایی که در نقش پسران امام حسین^(ع) شیون می‌کردند، توصیف می‌کند.
 - برای مطالعه بیشتر در این خصوص مراجعه کنید به: مهدوی، ۱۳۷۰، ۴۲-۴۱.
 - برای مطالعه بیشتر در این خصوص مراجعه شود به: حقیقی بروجنی و دیگران، ۱۳۹۹.
 - به‌طور مثال در قزوین، در دوره سلطنت شاه‌تیماسب اول، این کاربرد تکایا رواج بسیار یافت و تکایا کانون فعالیت‌های فرهنگی گسترده‌ای شدند، چنانکه گذشته از مراسم عزاداری، در برخی اوقات، به‌ویژه در شهبه رمضان، در تکیه‌ها مناظرات ادبی و جلسات سخنوری و مشاعره نیز برگزار می‌شد (ورجاوند، دفتر دوم، ۸۲۹ - ۸۸۹).
 - منجم یزدی و پیترو دل‌واله به نمونه‌هایی از این موارد در زمان شاه‌عباس اول اشاره کرده‌اند (منجم یزدی، ۱۳۶۶، ۱۴۷؛ دل‌واله، ۱۳۷۰، ۷۵).
 - در مواردی استثنایی مانند حسینیه «سید صدرالدین قنبر» این تاریخ تا ایلخانی (قرن هشتم هجری) عقب می‌رود.

معماری آیینی دوره قاجار نمونه موردی: حسینیّه مجتهد اردبیل، اثر، (۶۰)۳۴، صص ۷۰-۸۸.

کنت دوسرسی، لوران (۱۳۶۲)، *ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ م*، ترجمه احسان اشراقی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

کوزر، لوئیس آلفرد (۱۳۸۲)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.

کیان، مریم (۱۳۹۲)، *حسینیّه مشیر شیراز و کاشی نگاره‌ها، مجله اثر، شماره ۶۴، صص ۶۶-۹۰*.

گرترو، بل (۱۳۶۳)، *تصویرهایی از ایران*، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران: خوارزم.

گلی زواره، غلام‌رضا (۱۳۷۵)، *از زیبایی سوگواری‌های نمایشی، قم: سازمان تبلیغات اسلامی*.

مختاباد، سید مصطفی؛ حبیب، فرح و شعاعی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، *گفتمانی تحلیلی در ماندگاری حسینیّه‌ها به مثابه کنش‌پذیری عملکردی فضاهای عمومی شهری در بازتاب باورها و آیین‌های جمعی، مدیریت شهری و روستایی، شماره ۲۸، صص ۲۴۱-۲۵۴*.

مظاهری، محسن حسام (۱۳۹۰)، *رسانه شیعه: جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیات‌های مذهبی در ایران با تأکید بر دوران پس از پیروزی انقلاب، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی*.

ملازاده، کاظم (۱۳۸۱)، *منار و بناهای مذهبی، تهران: سوره حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی*.

ممبره، میکله (۱۳۹۸)، *سفرنامه میکله ممبره، فرستاده ونیز به دربار شاه‌تیماسب، ترجمه ساسان طهماسبی، تهران: مجمع ذخائر اسلامی*.

منجم بزدی، ملاجلالدین محمد (۱۳۶۶)، *تاریخ عباسی (روزنامه ملاجلال)*، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، چاپ اول، تهران: انتشارات وحید.

منشی، اسکندربیک ترکمان (۱۳۷۸)، *عالم آرای عباسی، به اهتمام ایرج افشار، تهران: امیرکبیر*.

مهدوی، سید مصلح‌الدین (۱۳۷۰)، *لسان‌الارض یا تاریخچه تخت فولاد اصفهان، اصفهان: انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان*.

ناری قمی، مسعود (۱۳۹۵)، *الگوهای کالبدی حسینیّه‌ها: ریشه‌ها و تحولات، مطالعات معماری ایران، شماره ۹، صص ۲۵-۴۶*.

ورجواند، پرویز، *دایره‌المعارف تشیع*، ذیل «تکیه بقعه پیرعلی»، ویلم، فلور؛ چلکوفسکی، پیترو و اختیار، مریم (۱۳۸۱)، *نقاشی و نقاشان دوره قاجار، تهران: انتشارات تخت جمشید*.

هاشمی زرج‌آباد، حسن؛ صادقی، سارا و زارعی، علی (۱۳۹۳)، *بررسی نقش اقلیم بر نوع معماری و تزئینات حسینیّه نواب بیرجند، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، (۱۱)۶، صص ۱۵۱-۱۶۲*.

هدایت، مهدی قلی خان (۱۳۴۴)، *خاطرات و خطرات*، تهران: انتشارات زوار.

هدایتی‌راد، عاطفه (۱۳۹۵)، *مطالعه تحلیلی تصویر انسان در کاشی‌کاری تکیه معاون‌الملک کرمانشاه، دانش هنرهای تجسمی، (۱)۴، صص ۱-۱۵*.

Kertzer, D. I. (1988). *Ritual, Politics and Power*, New Haven: Yale University Press.

Rahimi, Babak. (2011). *Theater State and the Formation of Early Modern Public Sphere in Iran: Studies on Safavid Muharram Rituals*. Leiden: Brill.

۱۳. مرتیبه‌سرای دوره شاه‌تیماسب صفوی.
۱۴. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص مراجعه شود به (ذوقی حسینی، ۱۳۹۱، ۹۶).

۱۵. به‌طور مثال کاشی‌نگاره‌های تکیه معاون‌الملک کرمانشاه همه این موارد را در بر می‌گیرد.

فهرست منابع

ابن‌اثیر، ابوالحسن علی ابن محمد شیبانی جزری (۱۳۸۲)، *تاریخ کامل*، ترجمه حمیدرضا آذیر. تهران: اساطیر.

امین‌زاده، بهناز (۱۳۷۸)، *حسینیّه‌ها و تکایا بیانی از هویت شهرهای ایرانی، هنرهای زیبا، شماره ۶، صص ۶۶-۵۵*.

بزرگ‌نیا، زهره (۱۳۸۵)، *تکیه‌ها و حسینیّه‌های ایران، تهران: صوفیان*.
بلالی اسکویی، آریتا؛ پایدار، مهدی (۱۴۰۰)، *تأثیر الگوی فضایی خانه‌های تاریخی دوره قاجاریه شهر اردبیل در شکل‌گیری کالبدی حسینیّه مجتهد، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، (۲۸)۱۱، صص ۲۱۹-۲۴۲*.

بمانیان و دیگران (۱۳۹۰)، *بررسی نوآوری و تحولات تزئینات و نقوش کاشی‌کاری مسجد- مدرسه‌های دوره قاجار، تکره، (۱۸)۶، صص ۳۵-۴۷*.

وینشارد، جان (۱۳۶۳)، *بیست سال در ایران*، ترجمه علی پیرنیا، تهران: انتشارات نوین.

جازی، سید علیرضا (۱۳۸۲)، *حسین بن علی (ع) در آیین شعر فارسی، قم: فارس الحجاز*.

حقیقی بروجنی، سمر؛ یزدانفر، سید عباس؛ بهزادفر، مصطفی (۱۳۹۹)، *خوانش فضا بر مبنای نظریات فضا - قدرت فوکو مطالعه موردی: میدان نقش جهان در عصر صفوی، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۳۹، صص ۴۳-۵۴*.
دلاواله، پیترو (۱۳۷۰)، *سفرنامه، ترجمه شجاع‌الدین شفا، تهران: علمی فرهنگی*.

دورکیم، امیل (۱۳۸۳)، *صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز*.

دوبران، اسماعیل؛ خدایی، داوود و سعید، غلامی (۱۳۹۱)، *سنجش مؤلفه‌های آسایش بصری در منظر شهری با تأکید بر محله حسینیّه اعظم زنجان، معماری و شهرسازی آرمان شهر، (۱۲)۴، صص ۲۱-۴۹*.

ذوقی حسینی، الهه (۱۳۹۱)، *معماری تکایای ایرانی، تهران: طحان*.

رضوی پور، مریم سادات؛ ذاکری، محمد مهدی (۱۳۹۵)، *بررسی مقایسه‌ای حسینیّه‌های دوره قاجار در مازندران و اصفهان، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۴، ۶۳-۷۳*.

شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۷۶)، *مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین، تهران: مؤسسه فرهنگی تبیان*.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۶)، *تاریخ ادبیات ایران، تهران: فردوس*.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)، *تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر*.

فرانکلین، ویلیام (۱۳۵۸)، *مشاهدات سفر از بنگال به ایران، ترجمه محسن جاویدان، تهران: مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی*.

قوچانی، محیا؛ تاجی، محمد (۱۳۹۸)، *کارکرد معماری حسینیّه‌ها به‌عنوان فضای باز شهری با استفاده از الگوی مسیر حرکت مطالعه موردی: حسینیّه‌های شهر نائین، مطالعات شهری، (۳۲)۸، صص ۳-۱۸*.

کرمانزاده شیرانی، منصور؛ متدین، حشمت‌الله (۱۳۹۳)، *بازخوانی و بازشناسی*

Representation of the Social Function of Imam Hossein's Mourning in the Architecture of Hosseiniyehs in Iran

Samar Haghghi Boroojeni¹, Seyed Rahman Mortazavi Babaheidar²

¹Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Engineering, Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran.

²Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Engineering, Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran.

(Received: 4 Sep 2022, Accepted: 15 Mar 2023)

The form of each architectural building is influenced by the natural, social, historical, political, and other conditions of its circumstance. For this reason, at the same time, in different societies, we can see different physical characteristics for buildings with the same function. Examining the extent and manner of the effects of each of these factors can lead us to a better understanding of the causes of the formation of a certain type of building, its special features and the occurrence of formal and functional changes in it. In the literature of Iranian architectural history, the course of physical development of Hosseiniyehs and Takayas and the factors that were affecting these developments, have not been studied much. Therefore, Hosseiniyehs as a type of collective space for holding the mourning ceremony of Imam Hossein and the course of their physical transformations in Iran are the main subject of this article. In this article, by adopting a functionalist approach to religious rituals, the social processes that have led to the emergence of the unique phenomenon of Iran's architecture in the Islamic era, namely Hosseiniyeh have been investigated. In this regard, an attempt has been made to answer the main question that what is the effect of the social and political function of Imam Hossein's mourning ritual in Iran on the physical-spatial changes of the places where this ritual is held, especially in the central part of Iran? This article adopts a qualitative approach and its data collection technique is through literature review and observation. In the theoretical part, the data has been gathered through the study of library sources and in the building analyzing part, this study uses observation techniques and the study of primary and secondary sources. The research is also considered a historical research in terms of data analysis. The research findings show that the social function of Imam Hossein's mourning ritual in Iran has undergone fundamental changes from the beginning to the end of the Qajar rule in four main stages. Like those transformation stages, the places for holding this ceremony and their architectural-spatial character also experienced fundamental changes under the influence of

the social function of the ceremony. In the first step, these developments have led to the formation of a dedicated space on a local scale for holding this ritual. In the next steps and in coherence with the changes in the social role of Imam Hossein's mourning, the architecture of Hosseiniyehs also experienced changes. These changes were especially in the result of increasing the dramatic and theatrical aspect of the funeral ceremony (Taziye). The formal transformation of Hosseiniyeh's buildings could be mentioned as 1. increasing the splendor and beauty of building, 2. Exceeding in the number of supporting spaces such as kitchen, sheltered prayer hall and so on, 3. Using different type of decorations and 4. the separation of different social classes from each other.

Keywords

Hosseiniyeh, Social Function, Physical Changes, Central Cities of Iran.